

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا و یادداشت پورتال  
۱۸ جولای ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

## به بهانه سالروز کودتای ۲۶ سرطان (چنگاش) سال ۱۳۵۲ شمسی

کودتای ۲۶ سرطان که کودتای سفید نیز نام گرفت نقطه عطفی در مسیر بی ثباتی سیاسی و اجتماعی جامعه نوین و نضج یافته افغانستان بود. این کودتا به اراده اشخاص عقده مندی چون حسن شرق، عبدالحمید محتاط و سید عبداله و در تبنای با استخبارات بیرون مرزی (کا جی بی) به رهبری مرحوم سردار محمد داوود پسر کاکا و شوهر همشیره پادشاه مدیر و اندیشمند کشور اعلیحضرت محمد ظاهر، سرنوشت مردم و کشور را در مسیر تند باد حوادث و مداخلات علنی کشور های خارجی قرار داد. حوادث و مصائبی که تا به امروز ادامه دارد و هنوز امیدی برای راه یابی به سر منزل مقصود و رهائی از بحرانها سیاسی و اجتماعی ناشی از آن اقدام نابخردانه متصور نیست.

هر چند در زمان کودتا من کودکی بیش نبودم ولی با دیدن عساکر ملیس با یونیفورم و کلاه های آهنی در اطراف منزل غنی خان وردک در سرای غزنی که فاصله چندانی از منزل ما نداشت و گشت و گذار تانک های زنجیر دار گول پیکر در سرک ها برای اولین بار، نهایت متوحش گردیده بودم.

با گوش دادن به تبصره ها و سخنان پدر مرحومم با برادر بزرگم و رفت و آمد های بزرگان فامیل به خانه ما و گوش دادن به صحبت های آنان، دریافته بودم که آنچه اتفاق افتیده ارمغان مثبتی با خود نخواهد داشت. هر چند پدر مرحومم و تقریباً همه خانواده ما دل خوشی از سلطنت نداشتند چون پدر کلان مرحومم و برادر شان حافظ عبدلقیوم مدیر مسئول جریده بیدار در نهضت مشروطه وقت شامل بودند، ولی از دید پدرم کودتا پیش زمینه ای برای حاکمیت مزدوران خلق و پرچم تلقی می شد.

تبصره برادر بزرگم را که مأمور بانک ملی افغان بود به یاد دارم که از قول فدا محمد لاروی معلم پشتو در بانک و یکی از اعضای برجسته جناح خلق حزب دموکراتیک و بعد از کودتای هفتم ثور رئیس بانک ملی، گفته بود " کودتای ۲۶ سرطان رؤیای پیروزی ما را به حقیقت مبدل ساخت زیرا سقوط شاه با ریشه های محکم سیاسی و کنترل شدیدش بالای اردو تصور پیروزی ما را اقلأ تا بیست سال دیگر نا ممکن می نمود "

این کودتا از نظر عقبه سیاسی و اجتماعی نیز بیشتر منحصر به یکدسته افراد مشخصی بود که عمق اندیشه و جهان بینی لازم در قبال مسائل تاریخی و اجتماعی جامعه ما را دارا نبودند .

از صحبت های مامای مرحوم پدرم که قاضی دیوان محاکمات بودند و عبدالصمد غوث مدیر شعبه دوم سیاسی وزارت خارجه پسر غلام غوث خان معین سابق وزارت خارجه پسر عمه شان بود، چنین معلوم می گردید که کودتا نوعی سازش بین اعلیحضرت و پسر کاکایشان سردار محمد داوود بوده است که بیشتر در اثر فشار سیاسی از جانب اتحاد شوروی وقت و هندوستان، ناگزیر به تن دادن به آن شده بودند. قرار ادعای آنها بر بنیاد صحبت خصوصی مدیر شعبه دوم سیاسی صمد غوث، علی محمد خان وزیر دربار در وقت خدا حافظی پادشاه در میدان هوایی کابل و فاصله گرفتن از صف مشایعین در حالی که دست احمد شاه جان ولیعهد را در دست می داشته باشد و به طیاره نزدیک می گردد، همچنان از عقب شاه روان می گردد، او حرف های شاه را به احمد شاه جان می شنود که می گوید "کوشش کنید تلفات رخ ندهد و وضعیت از کنترل خارج نگردد" در همین اثنا شاه به عقبش می نگرند و متوجه می شود که وزیر دربار در عقب شان است، با ناراحتی برایش می گوید "وزیر صاحب ما با هم خدا حافظی نمودیم شما نباید به دنبال ما بیائید" به هر حال واقعیت هر چه بوده آنچه مسلم است اینست که کودتای ۲۶ سرطان سرنوشت وطن و مردم ما را با بحران غیر قابل کنترل مواجه ساخت و عاملان آن به ملت بی پناه و شناور در تالاب خون، جوابگو خواهند بود....

#### یادداشت:

هرگاه آنچه را محترم داکتر صاحب از قول "صمد غوث" و مجموع رویداد با "علی محمدخان" وزیر دربار و شنیدن وصیت شاه به ولیعهد همه درست و موثق باشند، دیده می شود که "ظاهر شاه" نه تنها "مدبر و اندیشمند" نبوده، بلکه انسانی بوده سخت جبون، معامله گر و توطئه گر که برای زنده ماندن خودش گذشته از آن که خواهر و پسرکاکا و بقیه فامیلش را قربانی نمود، بلکه آگاهانه کشور ما را در چنان تنور استعماری انداخت که از چهل سال بدین سو در آن می سوزد.

اداره پورتال AA-AA